

فهرست مطالب

مقدمه ۲۳

کتاب النکاح

۱- حکم النکاح: ۳۱

لغات مهم: ۳۲

حکم نکاح: ۳۲

فضیلت ازدواج: ۳۲

انتخاب همسر: ۳۳

نگاه به چهره زنی که از او خواستگاری میشود: ۳۳

موانع ازدواج: ۳۳

مسائل: ۳۴

فضیلت ازدواج و احکام انتخاب همسر ۳۴

احکام نگاه ۳۵

۲- صیغه العقد: ۳۹

لغات مهم: ۴۰

ماهیت عقد نکاح: ۴۰

انحصار الفاظ ایجاب عقد نکاح: ۴۰

الفاظ قبول عقد نکاح: ۴۰

قدرت بر اجرای عقد نکاح به زبان عربی: ۴۰

عقد نکاح شخص لال: ۴۱

کمال عاقد: ۴۱

- ۴۱.....حضور شاهد و ولی در نکاح:
- ۴۱.....تعیین زوج و زوجه:
- ۴۱.....مسائل:
- ۴۶-۳- اولیاء العقد:
- ۴۶..... لغات مهم:
- ۴۶..... اولیاء عقد نکاح:
- ۴۷..... ولایت خاص پدر و جد پدری:
- ۴۷..... ولایت عام وصی و حاکم:
- ۴۸..... مسائل:
- ۵۱-۴- اشتراط الخيار فی الصداق و العقد:
- ۵۱..... لغات مهم:
- ۵۱..... شرط خيار مهر:
- ۵۱..... شرط خيار عقد:
- ۵۲..... مسائل:
- ۵۳-۵- التوكيل فی العقد:
- ۵۳..... وکالت در عقد نکاح:
- ۵۴..... صور وکالت به زن به وکیل:
- ۵۵..... مسائل:
- ۵۶-۶- لزوم رعاية المصلحة:
- ۵۶..... لغات مهم:
- ۵۸-۷- نکاح الفضولی:
- ۵۸..... لغات مهم:
- ۵۸..... نکاح فضولی:
- ۵۹..... مسائل:
- ۶۳-۸- تزویج الأبوان:
- ۶۳..... لغات مهم:
- ۶۳..... تزویج پدر و جد پدری:
- ۶۵-۹- تزویج الأخوان:
- ۶۵..... لغات مهم:

۶۵	تزویدج برادران:
۶۶	۱۰- ولایة الأمّ:
۶۶	لغات مهم:
۶۶	ولایت مادر در نکاح:
۶۷	مسائل:
۷۰	۱۱- محرّمات:
۷۰	اسباب حرمت:
۷۰	۱. حرمت ناشی از نسب:
۷۱	لغات مهم:
۷۱	محرّمات نسبی:
۷۲	ضابطه‌ی کلی محارم نسبی:
۷۲	مسائل:
۷۴	۲. بالرضاء:
۷۴	لغات مهم:
۷۴	حرمت ناشی از شیرخوارگی:
۷۵	شروط الرضاع:
۷۵	لغات مهم:
۷۶	شروط تحقق محرّمیت رضاعی:
۷۷	مسائل:
۸۲	احکام الرضاع:
۸۲	لغات مهم:
۸۲	ازدواج پدر شیرخوار با اولاد صاحب شیر:
۸۲	ازدواج خواهران و برادران نسبی شیرخوار:
۸۳	رضاع پس از عقد:
۸۳	مسائل:
۸۷	۳. بالمصاهرة:
۸۸	لغات مهم:
۸۸	تعریف مصاهرة:
۸۸	مواردی که در مصاهرة باعث حرمت می گردند عبارتند از:

- ۸۹..... جمع میان عمه و خاله:
 جمع میان مادر و دختر، دو خواهر در یک مجلس و جمع میان پنج زن در یک مجلس:.....۸۹
 ۹۰..... مسائل:
 ۹۳..... ۴. بالشبهه و الزنا:
 لغات مهم:۹۴
 حکم نزدیکی به شبهه و زنا:۹۴
 ۹۴..... ۵. بالعقد علی المعتدّة:
 لغات مهم:۹۵
 حرمت ناشی از نکاح با زنی که در عده است:۹۵
 مسائل:۹۵
 ۹۷..... ۶. بالزنا بذات بعل:
 حرمت ناشی از زنا با زن شوهردار:۹۷
 مسائل:۹۸
 ۹۸..... ۷. باللواط:
 لغات مهم:۹۹
 حرمت به واسطه لواط:۹۹
 مسائل:۹۹
 ۱۰۰..... ۸. بالإحرام:
 لغات مهم:۱۰۰
 حرمت به واسطه احرام:۱۰۰
 مسائل:۱۰۰
 ۱۰۱..... ۹. باستيفاء العدد:
 لغات مهم:۱۰۱
 حرمت ناشی از رد شدن تعداد حد نصاب در ازدواج دائم:۱۰۲
 مسائل:۱۰۲
 ۱۰۲..... ۱۰. بالطلاق ثلاثاً و تسعاً:
 لغات مهم:۱۰۲
 حرمت به واسطه سه و نه طلاق:۱۰۳
 مسائل:۱۰۳

۱۰۳ ملاعنة: ۱۱
۱۰۴ لغات مهم:
۱۰۴ حرمت به واسطه لعان:
۱۰۴ مسائل:
۱۰۵ ۱۲. بالكفر والارتداد:
۱۰۵ لغات مهم:
۱۰۶ تعريف اصطلاحات فقهی:
۱۰۶ كافر:
۱۰۶ انواع كافر فقهی:
۱۰۶ كافر كتابی و كافر غير كتابی:
۱۰۷ مرتد:
۱۰۷ اقسام مرتد:
۱۰۷ اقوال فقها در نكاح با زن كافر:
۱۰۸ ارتداد قبل از دخول:
۱۰۸ ارتداد بعد از دخول:
۱۰۸ ۱۳. بالإسلام الزوجه:
۱۰۸ لغات مهم:
۱۰۹ حرمت به واسطه مسلمان شدن زوجه:
۱۰۹ مسائل:
۱۱۲ ۱۲- كفائت:
۱۱۳ لغات مهم:
۱۱۳ همتمای زوج و زوجه:
۱۱۳ نكاح زن مسلمان با غير مسلمان:
۱۱۳ نكاح زن شيعه دوازده امامی با غير شيعه:
۱۱۴ مسائل:
۱۱۵ ۱۳- الخطبة:
۱۱۶ لغات مهم:
۱۱۶ خواستگاری:
۱۱۶ خواستگاری از زنی كه پیشنهاد ازدواج دیگری را پذیرفته:

- ۱۱۷..... ۱۴- نکاح شغار:
- ۱۱۷..... لغت مهم:
- ۱۱۷..... نکاح شغار:
- ۱۱۷..... مسائل:
- ۱۱۹..... نکاح المتعه
- ۱۱۹..... ۱۵- مشروعیه المتعه:
- ۱۱۹..... لغات مهم:
- ۱۲۰..... مشروعیت نکاح منقطع (متعه)
- ۱۲۱..... ۱۶- شروطها و احکامها:
- ۱۲۲..... لغات مهم:
- ۱۲۲..... شروط و احکام متعه:
- ۱۲۳..... نتیجه عدم ذکر مدت در متعه:
- ۱۲۳..... مسائل:
- ۱۲۶..... ۱۷- حکم فساد العقد:
- ۱۲۶..... لغات مهم:
- ۱۲۶..... حکم متعه در صورت فساد:
- ۱۲۷..... ۱۸- انقضاء المتعه:
- ۱۲۷..... لغات مهم:
- ۱۲۷..... انحلال متعه:
- ۱۲۸..... مسائل:
- ۱۲۹..... ۱۹- التوارث فی المتعه:
- ۱۲۹..... لغت مهم:
- ۱۲۹..... توارث در نکاح منقطع:
- ۱۳۰..... مسائل:
- ۱۳۱..... ۲۰- الظهار فی المتعه:
- ۱۳۱..... لغات مهم:
- ۱۳۱..... ظهار در متعه:
- ۱۳۲..... ۲۱- العدة فی المتعه:
- ۱۳۲..... لغات مهم:

۱۳۲	عده در نکاح منقطع:
۱۳۳	مسائل:
۱۳۴	المهر:
۱۳۴	۲۲- موضوع المهر و تقدیره:
۱۳۴	لغات مهم:
۱۳۴	تعیین مهر:
۱۳۵	مقدار مهر:
۱۳۶	۲۳- تعیین المهر:
۱۳۶	لغات مهم:
۱۳۶	معلوم بودن مهر:
۱۳۷	مسائل:
۱۳۸	۲۴- تفویض بضع:
۱۳۸	لغات مهم:
۱۳۹	نکاح دائم بدون ذکر مهر در حین العقد:
۱۳۹	تعریف مهر یا صداق:
۱۳۹	اقسام مهر:
۱۳۹	مهر المسمی:
۱۳۹	مهر المثل:
۱۳۹	زمان تعلق مهر المثل:
۱۴۰	مهر المتعه:
۱۴۰	مهر السنة:
۱۴۰	توافق زوجین بر مهریه پس از عقد:
۱۴۰	فوت احدی از زوجین پس از تفویض البضع:
۱۴۰	مسائل:
۱۴۳	۲۵- تفویض المهر:
۱۴۳	لغات مهم:
۱۴۳	واگذار نمودن تعیین مهر به احدی از زوجین:
۱۴۴	فرض واگذاری تعیین مهر به زوج:
۱۴۴	فرض واگذاری تعیین مهر به زوجه:

- ۱۴۴ تفویض المهر توسط شخص ثالث:
- ۱۴۴ فوت تعیین کننده مهر:
- ۱۴۵ مسائل:
- ۱۴۶ ۲۶- استقرار المهر:
- ۱۴۶ لغات مهم:
- ۱۴۶ مستقر شدن مهر:
- ۱۴۷ مسائل:
- ۱۴۸ ۲۷- الرجوع الی نصف المهر:
- ۱۴۸ لغات مهم:
- ۱۴۸ پس گرفتن نصف مهر بعد از طلاق:
- ۱۴۹ فرض قرار گرفتن تعلیم حرفه برای مهر:
- ۱۴۹ مسائل:
- ۱۵۰ ۲۸- الاشتراط فی العقد:
- ۱۵۰ لغات مهم:
- ۱۵۰ شروط ضمن عقد نکاح:
- ۱۵۱ مثال برای شرط فاسد در عقد نکاح:
- ۱۵۱ مثال برای شروط ضمن عقد صحیح:
- ۱۵۲ مسائل:
- ۱۵۳ ۲۹- حق الامتناع الزوجه:
- ۱۵۳ لغات مهم:
- ۱۵۳ حق حبس زوجه:
- ۱۵۴ حق حبس طرفین:
- ۱۵۵ العیوب و التدلیس
- ۱۵۷ ۳۰- عیوب الرجل:
- ۱۵۷ لغات مهم:
- ۱۵۸ عیوب مرد که موجب فسخ نکاح است:
- ۱۵۸ دلیل عدم فسخ به واسطه بروز عیوب پس از عقد:
- ۱۵۸ اصطلاحات فسخ:
- ۱۶۰ ۳۱- عیوب المراه:

۱۶۰	لغات مهم:
۱۶۰	عیوب زن که موجب فسخ نکاح است:
۱۶۲	۳۲- احکام العیوب:
۱۶۲	لغات مهم:
۱۶۲	فوری بودن خیار عیب:
۱۶۳	دعوی فسخ:
۱۶۳	مهریه زوجه در فسخ:
۱۶۳	مسائل:
۱۶۴	۳۳- التذلیس:
۱۶۴	لغت مهم:
۱۶۴	تعریف تذلیس:
۱۶۴	مراجعه به تذلیس کننده:
۱۶۵	مسائل:
۱۶۷	۳۴- خیار تخلف شرط الوصف:
۱۶۷	لغات مهم:
۱۶۷	خیار فسخ در صورت تخلف شرط:
۱۶۷	مسائل:
۱۶۹	۳۵- الْقَسَم:
۱۶۹	لغات مهم:
۱۷۰	تعریف حق قَسَم:
۱۷۰	مقدار حق قَسَم:
۱۷۰	زمان حق قَسَم:
۱۷۰	مسائل:
۱۷۳	۳۶- النشوز:
۱۷۳	لغات مهم:
۱۷۴	تعریف نشوز:
۱۷۴	نشانه های نشوز زوجه:
۱۷۴	مراحل برخورد مرد در ناشزه شدن زن:
۱۷۴	مراحل برخورد زن در نشوز مرد:

- ۱۷۵ ۳۷- الشقاق والتحكيم:
- ۱۷۵ لغات مهم:
- ۱۷۵ تعريف شقاق:
- ۱۷۶ تعيين داور توسط حاکم:
- ۱۷۶ نحوه انتخاب داور:
- ۱۷۶ شرائط داورها:
- ۱۷۶ مسائل:
- ۱۷۹ احکام و حقوق الأولاد
- ۱۷۹ ۳۸- قاعدة الفراش:
- ۱۸۰ لغات مهم:
- ۱۸۰ قاعدة فراش:
- ۱۸۰ فرض زنا با زن شوهردار:
- ۱۸۱ اختلاف زوجين در وقوع دخول و يا تولد جنين:
- ۱۸۱ اختلاف در مدت حمل:
- ۱۸۱ فرزند ناشی از متعه:
- ۱۸۱ نفی ولد به جهت عزل:
- ۱۸۲ طفل متولد از وطی به شبهه
- ۱۸۲ مسائل:
- ۱۸۴ ۳۹- الحضانة:
- ۱۸۴ لغات مهم:
- ۱۸۵ تعريف حضانت:
- ۱۸۵ تقسيم بندي حق حضانت زوجين:
- ۱۸۵ اولويت حق حضانت مادر نسبت به وصی
- ۱۸۵ رعايت مصلحت طفل در اعطاء حق حضانت:
- ۱۸۶ حق و تکليف حضانت طفل برای والدین:
- ۱۸۶ حضانت طفل در صورت نبود والدین و جد پدری:
- ۱۸۶ النفقات
- ۱۸۶ لغات مهم:
- ۱۸۷ آنچه باعث وجوب پرداخت نفقه می گردد:

۱۸۷	اولویت وجوب پرداخت نفقه:
۱۸۸	۴۰- الزوجیه:
۱۸۸	لغات مهم:
۱۸۸	نفقه زوجه:
۱۸۹	نفقه زن نابالغ و ناشزه:
۱۸۹	میزان نفقه:
۱۸۹	مسائل:
۱۹۵	۴۱- القرایه:
۱۹۶	لغات مهم:
۱۹۶	نفقه والدین:
۱۹۶	شرط انفاق به والدین:
۱۹۷	مشغولیت ذمه زوج در مورد نفقه زوجه:
۱۹۷	مراتب پرداخت نفقه اولاد:
۱۹۷	اجبار حاکم در پرداخت نفقه:
۱۹۷	مسائل:
۲۰۲	۴۲- الملك:
۲۰۲	لغات مهم:
۲۰۲	نفقه چهارپا:
۲۰۳	نفقه زمین و اشیاء:
۲۰۳	مسائل:

کتاب الطلاق

۲۰۶	التعريف و الأركان الطلاق:
۲۰۶	لغات مهم:
۲۰۶	مقدمه:
۲۰۷	تعريف طلاق:
۲۰۷	ارکان طلاق:
۲۰۸	۱- الصیغه و شرائطها:
۲۰۹	لغات مهم:

۲۰۹	صیغه طلاق:
۲۱۰	طلاق شخص لال:
۲۱۰	طلاق با کتابت:
۲۱۰	طلاق مخیر:
۲۱۱	طلاق معلّق:
۲۱۱	سه طلاق در یک مجلس:
۲۱۲	مسائل:
۲۱۴	۲- شروط المطلق:
۲۱۴	لغات مهم:
۲۱۵	شرایط طلاق دهنده:
۲۱۵	تعریف اکراه:
۲۱۶	مسائل:
۲۱۸	۳- التوکیل فی الطلاق:
۲۱۸	لغات مهم:
۲۱۸	اعطاء حق طلاق به زن (وکالت در طلاق)
۲۱۹	مسائل:
۲۲۰	۴- شروط المطلقة:
۲۲۰	لغات مهم:
۲۲۱	شرائط مطلقه:
۲۲۲	مسائل:
۲۲۳	اقسام طلاق
۲۲۴	شرح و تبیین اقسام طلاق:
۲۲۵	۵- الطلاق المحترّم (البدعی):
۲۲۵	لغات مهم:
۲۲۵	طلاق نامشروع و حرام: (بدعی) {چهار مورد است}
۲۲۷	۶- الطلاق السنّی (بالمعنی الاعم):
۲۲۸	لغات مهم:
۲۲۸	اقسام طلاق سنی به معنای اعم:
۲۲۸	(۱) طلاق بائن:

۲۲۸ (۲) طلاق رجعی:
۲۲۹ (۳) طلاق عدی:
۲۲۹ طلاق سنی به معنای خاص:
۲۲۹ جمع‌بندی اقسام طلاق:
۲۲۹ سنی بالمعنی الأعم:
۲۲۹ تقسیم‌بندی شهید اول (رضوان الله علیه):
۲۲۹ تقسیم‌بندی شهید ثانی (رضوان الله علیه):
۲۳۰ سنی بالمعنی الأخص:
۲۳۱ ۷- طلاق الحامل:
۲۳۱ لغات مهم:
۲۳۱ طلاق زن حامله:
۲۳۲ ۸- طلاق المريض:
۲۳۲ لغات مهم:
۲۳۲ طلاق دادن در حال بیماری:
۲۳۲ دلیل:
۲۳۲ ارث در عده طلاق:
۲۳۳ مسائل:
۲۳۴ ۹- الرجعة:
۲۳۴ لغات مهم:
۲۳۴ رجوع:
۲۳۴ مسائل:
۲۳۷ ۱۰- العدة:
۲۳۷ لغات مهم:
۲۳۸ تعریف عده:
۲۳۸ عده زن غیر مدخوله:
۲۳۸ عده زوجه دائم مدخوله:
۲۳۸ عده زن باردار:
۲۳۹ حداد:
۲۳۹ جمع‌بندی عده:

- ۲۳۹ ۱. نکاح دائم:
 ۲۳۹ ۲. نکاح منقطع:
 ۲۳۹ مسائل:
 ۲۳۹ عدّه فراق، طلاق باشد یا غیر آن
 ۲۴۴ عدّه وطی شبهه
 ۲۴۷ ۱۱- طلاق المفقود:
 ۲۴۷ لغات مهم:
 ۲۴۸ طلاق غائب مفقود الأثر:
 ۲۴۸ پیدا شدن غائب مفقود الأثر در زمان عدّه و پس از آن:
 ۲۴۸ مسائل:
 ۲۵۳ ۱۲- احکام الطلاق:
 ۲۵۳ لغات مهم:
 ۲۵۴ احکام طلاق:
 ۲۵۵ مسائل:

کتاب الخلع و المبرأة

- ۲۵۸ ۱- الخُلع:
 ۲۵۸ لغات مهم:
 ۲۵۹ تعریف طلاق خُلع:
 ۲۵۹ صیغه ی خلع:
 ۲۵۹ خلع فسخ است یا طلاق:
 ۲۶۰ ۲- الفدیة و احکامها:
 ۲۶۰ لغات مهم:
 ۲۶۱ عوض و احکام آن:
 ۲۶۱ نحوه دادن عوض در خلع:
 ۲۶۲ صحت بذل از طرف اجنبی:
 ۲۶۳ ۳- شرائط الخُلع و احکامها:
 ۲۶۳ لغات مهم:
 ۲۶۴ شرط اصلی طلاق خلع:

۲۶۴	اجبار زوجه به پرداخت عوض:
۲۶۴	بائن بودن طلاق خلع تا قبل از رجوع زن به عوض:
۲۶۵	۴- مباراة:
۲۶۵	لغات مهم:
۲۶۶	طلاق مبارات:
۲۶۶	مسائل:

کتاب الطهار

۲۷۲	لغات مهم:
۲۷۲	تعریف طهار:
۲۷۳	حکم طهار:
۲۷۳	صیغه طهار:
۲۷۳	طهار منجز و معلق:
۲۷۳	قرار دادن مدت در طهار:
۲۷۴	۱- شروه:
۲۷۴	لغات مهم:
۲۷۵	۲- احکامُ الطهار:
۲۷۵	لغات مهم:
۲۷۶	وجوب كفاره بعد از رجوع از طهار:
۲۷۶	طلاق دادن زنی که طهار کرده است:
۲۷۶	مسائل:

کتاب الإیلا

۲۸۰	لغت مهم:
۲۸۰	تعریف ایلاء:
۲۸۱	۱- صیغته و شرائطه:
۲۸۱	لغات مهم:
۲۸۲	صیغه و شرائط ایلاء:
۲۸۲	عدم تعلیق ایلاء بر صفت و شرط:

۲- احکام ایلاء: ۲۸۳

لغات مهم: ۲۸۳

طرح دعوی زوجه بعد از ایلاء: ۲۸۴

کفاره ایلاء کننده: ۲۸۴

مهلت ایلاء: ۲۸۴

مسائل: ۲۸۴

کتاب لعان

لغت مهم: ۲۸۸

تعریف لعان: ۲۸۸

۱- اسباب اللعان: ۲۸۹

لغات مهم: ۲۹۰

اسباب لعان: ۲۹۰

۲- شروط الملائنه: ۲۹۲

لغات مهم: ۲۹۲

شرایط زنی که لعان میشود: ۲۹۲

مدخوله بودن زن دائمی یا موقت در لعان: ۲۹۳

۳- کیفیت اللعان: ۲۹۴

لغات مهم: ۲۹۵

کیفیت لعان: ۲۹۵

۴- احکام اللعان: ۲۹۷

لغات مهم: ۲۹۸

لعان یک طرفه از جانب مرد: ۲۹۸

احکام لعان: ۲۹۸

حکم فرزند پس از رجوع از لعان: ۲۹۹

نسبت زنا با مرد معین: ۲۹۹

مرگ زن پیش از لعان: ۲۹۹

شهادت مرد بر زنا زوجه خود: ۳۰۰

مسائل: ۳۰۰

ای نسیم سحر آرامگه یار کجاست

منزل آن مه عاشق کش عیار کجاست

مقدمه

خانواده به عنوان اولین نظام اجتماعی که انسان در آن رشد و نمو می‌نماید، مهمترین نظام در میان اجتماعات مختلف شناخته می‌شود. چه آنکه تمام روحیات و اخلاقیات انسان در خانواده شکل می‌گیرد و کامل می‌شود. در این میان توجه حقوقی به نظام خانواده باعث می‌شود تا نیازمندی به سایر نظامات حقوقی از جمله حقوق کیفری کمتر به دیده بیاید.

به این توضیح که، زمانی که بخواهیم از ابتدای شکل‌گیری خانواده به آن از دید حقوقی بنگریم و بنیان آن را نظم بخشیم به تبع اولاً، ایجاد خانواده به نوبه خود یک امتیاز مستقل فرض می‌گردد که در مقابل تئوری دوری به وجود آمدن خانواده و تنهایی فرد، تفکیک حاصل می‌گردد. مضافاً بر اینکه زوجین با ایجاد یک رابطه نظامند حقوقی به مراتب رشد و تکامل خود و جامعه کمک می‌کنند. در واقع با ایجاد خانواده زن و مرد به عنوان عضوی از نظام اجتماعی اولین گام خود را در مسئولیت‌پذیری و حق‌مداری برمی‌دارند. به عبارت دیگر ایجاد خانواده سر‌منشاء اجتماعی شدن و نظم اجتماعی می‌گردد. ثانیاً، با شکل‌گیری و استحکام نهاد خانواده، هنگامی که کودکی در آن متولد می‌گردد در یک محیط نظم داده شده توسط سیستم حقوقی رشد بالنده و صحیحی خواهد داشت که متعاقباً نه تنها او بعد از بلوغ و ورود به عرصه‌های مختلف جامعه مرتکب ضد‌هنجارهای حقوقی و بزه نمی‌گردد بلکه باعث رشد و تعالی جامعه نیز می‌شود.

همین امر مهم باعث شده است تا نظام حقوقی اسلام در پرتو فقه پویای جعفری به خانواده به عنوان مهمترین بخش از نظام اجتماعی بشر اهمیت بسزایی دهد. تا جایی که می‌توان تحدی نمود که این قسم از فقه امامیه که ما امروز آن را فقه خانواده می‌نامیم در تمامی نظامات حقوقی دنیا بی‌بدیل است و نمی‌توان برای آن همتایی متصور شد. چه آنکه وقتی منبع قانونگذاری در یک نظام حقوقی متصل به وحی باشد دیگر اشکالی در موازین آن ایجاد نمی‌گردد.

در این میان شبهات و اشکالاتی که ظاهراً توسط حقوق‌دانان و به ظاهر روشنفکران غربی و غیر غربی به موازین حقوق خانواده و حقوق زن در اسلام مطرح می‌شود غالباً ناشی از دو امر است: یا از سر بی اطلاعی دقیق از حقوق، احکام و تکالیف مطرح شده در فقه خانواده اسلام و یا از سر عناد و دشمنی که با اسلام دارند.

به هر روی، اگر چنانچه مشکل ناشی از مورد اول باشد با کمی تأمل و دقت بیشتر قابل حل است، ولیکن کسی که خود را به خواب می‌زند و در جهل مرکب می‌باشد، بیدار کردن او کاری بس دشوار است. که خداوند متعال نیز در این مورد دستور به جدال احسن می‌دهد.^۱

لذا رد اشکالات و شبهات از افرادی که شامل قسم دوم می‌گردند در این مجال نمی‌گنجد، ولیکن در مورد قسم اول، در «کتاب نظریه حق و کاربرد آن در حقوق خانواده» مبسوطاً توضیح داده‌ام که، دو راه حل مهم باید مطرح گردد: اولاً، معرفی مبنا و نظام منسجم حق در فقه امامیه و متعاقباً تبیین حق در حقوق خانواده. ثانیاً، شناخت دقیق و صحیح مبانی، حقوق، تکالیف و احکام در ابواب مختلف حقوق خانواده. چه آنکه گاهی در اثر عدم شناخت دقیق این حقوق و احکام است که در اذهان شبهه به وجود می‌آید.

بنابراین، اگر چنانچه حقوق خانواده در اسلام، بالاخص در فقه امامیه را با این دید بنگریم که یک نظام به هم پیوسته و منسجم می‌باشد و تمامی حقوق، احکام و تکالیف آن با یکدیگر مرتبط است. به نظر دیگر ایجاد شبهه در اذهان کمتر رخ می‌نماید.

به این توضیح که باید تمام احکام، حقوق و تکالیف مطرح شده در مورد خانواده را به یک باره در کنار هم دید. نه آنکه هر یک را به صورت جزیره‌ای و جداگانه نگریست و در نهایت قضاوت نمود. به عنوان مثال: زمانی که حقوق مالی زوجین را بررسی می‌کنیم به این نکته دست پیدا می‌نمائیم که شارع اقدس هیچگونه مسئولیت مالی برای زن در نظام خانواده پیش بینی نکرده و او را بری از پرداخت مال نموده است و حال آنکه در مقابل، تمامی مسئولیت‌های مالی در خانواده متوجه مرد است. از طرفی حق ریاست بر خانواده را نیز به مرد اعطاء نموده است. در حالی که همانطور که گفته شد، حق در کنار تکلیف و حکم است که معنا پیدا می‌کند. یعنی این حق در پی

^۱ - اشاره به آیه کریمه: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ» (سوره مبارکه نحل، آیه شریفه ۱۲۵)

خود، تکالیفی را نیز برای مرد می‌آورد و آن تکلیف عبارت است از، پیشبرد خانواده به سوی، خانواده متکامل و حفظ انسجام خانواده در کنار رشد و نمو فرزندان برای بالندگی جامعه اسلامی. در تبیین مفهوم خانواده باید گفت: تعریف مشخصی از خانواده نزد فقها و حقوقدانان ارائه نشده است. تعاریفی هم که بیان شده بعضاً متفاوت است. لذا جهت تعریف خانواده باید ابتدا از مباحث مطرح شده در باب نکاح و طلاق بین فقها و سپس به قوانین موضوعه مراجعه نمود. به همین منظور می‌توان خانواده در فقه اسلامی و بالخصوص فقه امامیه را اینگونه تعریف نمود: «گروهی متشکل از دو فرد و یا افراد انسانی است که با یکدیگر رابطه سببی و نسبی دارند و این روابط سببی و نسبی برای آنها ایجاد تکالیف، حقوق و احکامی می‌نماید که تمام آنها ذیل نظریه حق معنی می‌گردد. هدف اصلی در خانواده در اسلام رسیدن به تکامل در ذیل توحید می‌باشد» در واقع این تعریفی که ما ارائه نمودیم هم دربر دارنده خانواده به معنای خاص و هم در بر دارنده خانواده به معنای عام آن است.^۱

به هر روی، بررسی فقهی مسائل مربوط به خانواده بالخصوص در حوزه نکاح و طلاق، از جهاتی برای دانشجویان محترم رشته حقوق بسیار مفید به فایده است:

اولاً، قوه تحلیل حقوقی آنان را در برخورد با قوانین مطروحه در حوزه خانواده به مقدار زیادی افزایش می‌دهد و آنان را متمایز می‌سازد. چه آنکه واضح و مبرهن است، قوانین مدنی ایران خصوصاً در حوزه خانواده کاملاً مبتنی و منطبق با فقه جعفری می‌باشد. لذا دانشجویان حقوق با مطالعه متون فقه، در مقام عمل در محاکم از قوه تحلیل و تطبیق برخوردار می‌گردند و احقاق حق برای آنان ساده‌تر خواهد بود. ثانیاً، آشنایی با متون فقه و محتوای آن باعث می‌شود تا در مقام تئوری نیز فائق به عمل آیند و مطالب مربوط به حقوق خانواده را با عمق و ژرفای بیشتری مورد مذاقه قرار دهند. این موضوع در آزمون‌های مختلف حقوقی از جمله مقاطع تحصیلات تکمیلی، آزمون‌های کارشناسان نفقه، قضاوت و وکالت به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم باعث موفقیت هر چه بیشتر خواهد بود. مضافاً بر اینکه در مقاطع تحصیلات تکمیلی در مقام تولید پایان‌نامه‌های فقهی و حقوقی این امر کمک شایانی را خواهد نمود.

^۱ توضیح اینکه برخی از حقوقدانان در تعریف خانواده معتقدند خانواده به معنای خاص عبارت است از زن و شوهر و فرزندان و خانواده به معنای عام عبارت است از اقرباء سببی و نسبی. ایشان به درستی معنای اول از خانواده را در عصر حاضر دارای اهمیت بیشتری می‌دانند. ولیکن در نظام حقوقی اسلام نمی‌توان گفت: خانواده به معنای خاص اهم از خانواده به معنای عام آن است. بلکه باید گفت نظام خانواده در اسلام به معنای اعم آن اهم می‌باشد. (برای دیدن تقسیم نظام خانواده به خاص و عام مراجعه کنید به، صفائی، امامی، مختصر حقوق خانواده، ص ۱۴)

در این میان، با عنایت به برنامه درسی رشته حقوق در مقطع کارشناسی و قرار گرفتن درس متون فقه ۲ با عنوان «فقه خانواده» در میان واحدهای درسی، نگارنده را بر آن داشت تا با توجه به این مهم که منابع اصلی این واحد درسی به زبان عربی می‌باشد و یادگیری این زبان به نحو مناسبی توسط دانشجویان محترم صورت نپذیرفته است و آنان در این مهم محل اشکال‌اند، جهت منبع این درس، نوشتار پیش رو تألیف گردد تا مفید به فایده افتد *إن شاء الله*. در این میان دو کتاب با عناوین «نظریه حق و کاربرد آن در حقوق خانواده» و «حق طلاق زوجه با توجه به طلاق واجب» جهت مباحث تکمیلی و پیشرفته فقه و حقوق خانواده توسط نگارنده این سطور تألیف شده است که جهت تکمله مباحث فقه خانواده در مقاطع دکتری تخصصی قابل استفاده پژوهشگران محترم می‌باشد.

در آخر از خداوند متعال مسئلت دارم تا مضافاً بر توفیق تعلیم و تعلم علم شریف فقه ما را در زمره عاملین به این حقوق و احکام نورانی قرار دهد. امید آن دارم تا این جهد هر چند ناچیز مورد قبول وجود مقدس حضرت بقیة الله الاعظم (روحی و الارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء) قرار گیرد و توشه ای برای قبر و قیامت این حقیر باشد.

رَبِّ احْكُم بِالْحَقِّ وَرَبُّنَا الرَّحْمَنُ الْمُسْتَعَانُ عَلَىٰ مَا تَصِفُونَ

۱۵ ذی الحجة الحرام ۱۴۳۹ مصادف با ۵ شهریور ۱۳۹۷

الاحقر محمدعلی معیر محمدی

كتابُ النكاح



اصل نکاح، از جمله عقودی است که مورد امضاء شارع اقدس بوده و در وجود بشر از بدو خلقت نهادینه شده است.^۱ به همین خاطر است که شیطانیان در پی کم رنگ کردن و از بین بردن این نهاد مقدس اند. زیرا در پی مخالفت با فطرت و خلقت بشر می‌باشند. در واقع، آنچه که آغاز گر وجود و حیات خانواده است و باعث پیوند این شجره مبارکه می‌گردد عقد نکاح است. از آنجایی که عقد به معنای قرارداد در فارسی ترجمه شده است، لذا انسان را در اولین نگاه به یاد قراردادهایی که ماهیت تجاری دارد می‌اندازد، لیکن اضافه شدن آن به نکاح باعث می‌شود تا از ماهیت تجاری بودن آن کاسته شود و به عواطف و روابط انسانی نزدیکتر گردد. در واقع این موضوع که ماهیت عقد نکاح در اصل تحت عنوان معاملات یا عبادات قرار می‌گیرد نیز از همین نشأت گرفته است. به عبارت دیگر، نه می‌توان گفت: نکاح یک عمل عبادی صرف است و نه می‌توان گفت: یک عمل معاملی صرف است برخی بزرگان از فقهای شیعه با ادعان به این مورد می‌فرمایند: «و لکن کلّ ذّا مبنیّ علیّ تسلیم العوضیّة و المعوضیّة فی المقام، و لکن لا یساعده العرف، فلا یعدّون البضع من جملة المنافع، و لا یرون حقیقة الإجارة و الاستئجار فیهِ. و من هنا یعلم أنّ قوله علیه السّلام: «هنّ مستأجرات» ایضا لیس علی سبیل الحقیقة، بل فی مقام التشبیه فی الانتضاء بالأجل، کما فی قولک: الحیاة عاریة، فی مقام عدم الثبات و الدوام.»^۲ در واقع اگر هم در روایاتی زن برای ازدواج به عناوین معاملی خوانده شده است نه از برای این است که عقد نکاح از باب معاملات است بلکه از باب مثال برای منقضی شدن اجل آن و یا موارد دیگر است. مضافاً بر اینکه، اگر چنانچه نکاح را با قصد قربت انجام دهند این عقد نیز جزء اعمالی محسوب می‌شود که عبادی است،^۳ لذا عبادت بودن نکاح مربوط به قصد قربت است؛ اما فضیلت داشتن یعنی استحباب آن برای خود نکاح است، فارغ از آنکه قصد قربت وجود داشته باشد یا خیر. لذا برخی از فقها در ذیل بحث از عدم اجازه خیار در عقد نکاح قائل به سبقه عبادی نکاح شده اند، تا جایی که مرحوم شهید ثانی (رضوان الله علیه) می‌فرماید: «ولو اتفقا علی غیره قبله

^۱ در واقع می‌توان گفت: نکاح در پایین ترین وجه، جهت ایجاد روابط صحیح جنسی و ارضاع غرائز جنسی قرار داده شده و در بالاترین وجه، جهت تکامل فرد و اجتماع و رسیدن به نقطه مطلوب انسانیت در دنیا و آخرت می‌باشد. در هر صورت ازدواج امری طبیعی و مطابق با فطرت انسانی است و خداوند متعال آن را محل آرامش، نزدیکی قلوب و ازدیاد عواطف زن و مرد قرار داده است. مع الوصف، قیاس ازدواج با زنا، یک قیاس مع الفارق است زیرا، زنا حتی در جوامع غیر اسلامی و منحرف نیز دستمایه بر هم زدن آرامش فردی و عمومی، از بین رفتن نهاد خانواده و نابودی نسل بشری است.

^۲ - اراکی، محمدعلی، کتاب النکاح (للأراکی)؛ ص ۳۵۸

^۳ - و حال آنکه شاید این مطلب را بتوانیم به تمام اعمال حقوقی و غیر حقوقی که انسان انجام می‌دهد نیز نسبت دهیم.

صح، (ولا يجوز) اشتراطه (فی العقد) لأنه ملحق بضروب العبادات، لا المعاوضات (فیبطل) العقد باشتراط الخيار فيه، لأن التراضي إنما وقع بالشرط الفاسد ولم يحصل.^۱

واضح شد که نمی‌توان نکاح را تنها عملی عبادی دانست زیرا مضافاً بر آنچه که بیان شد از سیاق و اسم آن نیز بر می‌آید که قرارداد است و از آن طرف نمی‌توان به صورت مطلق آن را قراردادی صرف دانست.

مع الوصف، نکاح که مصدر نکح، ینکح بر وزن ضرب یضرب می‌باشد، در لغت به معنی ضم (پیوستن) است.^۲ مشهور اهل لغت و به تبع آن فقها نکاح را به معنای وطی گرفته‌اند.^۳ و در اصطلاح حقوقی می‌توان آن را چنین تعریف کرد: «نکاح قراردادی است که به موجب آن زن و مرد در زندگی با یکدیگر شریک و متحد شده، خانواده‌ای تشکیل می‌دهند»^۴ نکاح را ازدواج و زواج هم می‌گویند.

بعضی از استادان حقوق در تعریف نکاح گفته‌اند: «نکاح عبارت از رابطه حقوقی است که به وسیله عقد بین مرد و زن حاصل می‌شود و به آنها حق می‌دهد که تمتع جنسی از یکدیگر ببرند»^۵ اشکال این تعریف عبارت است از این که تعریف جامع افراد و مانع اغیار نیست. بعضی از حقوقدانان اسلامی نکاح را چنین تعریف کرده‌اند: «نکاح عقدی است که به هریک از زوجین حق استمتاع از دیگری را به وجه مشروع می‌دهد»^۶ اشکالی که در تعریف قبل اشاره شد شامل این تعریف نیز می‌گردد.

در واقع برای اینکه به ماهیت اصلی عقد نکاح پی ببریم باید بگوییم: نکاح عبارت است از ممزوج شدن یک عقد با عواطف انسانی و در برخی موارد عبادت؛ که به زوجین حقوق و تکالیفی را واگذار می‌نماید و مصداق لازم این حقوق و تکالیف حق استمتاع جنسی است.^۷

نکاح از مستحبات مؤکد است و آنچه در تشویق بر آن و در مذمت بر ترک آن وارد شده از نظر کثرت، قابل شمارش نیست؛ پس از مولای ما امام باقر علیه السلام است که فرمود: «حضرت

۱- عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (المحشی - کلانتر): ج ۵، ص ۱۲۰

۲- الفیومی، احمد بن محمد بن علی، المصباح المنیر، ج ۲، ص ۶۲۴

۳- الزرقانی، محمد عبد العظیم، شرح زرقانی (برموط)، ج ۳، ص ۱۸۷

۴- صفایی، سیدحسین؛ امامی، اسدالله، مختصر حقوق خانواده، ص ۲۸

۵- حقوق مدنی، شایگان، ج ۱، شماره ۵۸۹ و ۵۹۱

۶- محی الدین، محمد، الاحوال الشخصية فی الشریعة الاسلامیة، ص ۱۰

۷- جهت مطالعه و تحقیق بیشتر مراجعه کنید به کتاب نظریه حق و کاربرد آن در حقوق خانواده بخش عقد نکاح از نگارنده

رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: بنایی در اسلام بنا نشده که در نزد خدای عزوجل محبوب تر از ازدواج نمودن باشد». و از مولای ما امام صادق علیه السلام است: «دو رکعت نمازی که شخص متزوج می خواند از هفتاد رکعتی که شخص عزمی می خواند بهتر است». و نیز از امام صادق علیه السلام است که فرمود: «پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم فرموده است فرومایه ترین مرده های شما عزمها هستند». و در خبر دیگر از پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم است: «اکثر اهل آتش عزمها هستند». و سزاوار نیست که فقر و احتیاج مانع از ازدواج باشد، بعد از آن که خدای عزوجل وعده داده است که غنی می سازد و گشایش (در زندگی) می بخشد به فرموده اش - عز من قائل - : «اگر فقیر باشند خداوند ایشان را از فضلش غنی می سازد». که از پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم است: «کسی که ازدواج را به خاطر ترس از احتیاج ترک نماید تحقیقاً به خدای عزوجل گمان بد برده است».

و از چیزهایی که مناسب است بر مقاصد این کتاب مقدم شود چند امر است: بعضی از آنها مربوط است به این که چه کسی سزاوار است تا برای ازدواج اختیار شود و چه کسی سزاوار نیست؛ و بعضی از آنها در آداب عقد است؛ و بعضی از آنها در آداب خلوت با زوجه می باشد؛ و بعضی از آنها ملحقاتی است که مناسب اینجا می باشند. و اینها در ضمن مسائلی ذکر می شوند.^۱

^۱ - تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۲۵۳